

# فجر روایت

پژمان عرب

سردبیر

و بزون نبودن در مقابل زورگویی و قدرت‌های جهانی جرمی بزرگ است... پیشنهاد ما استفاده حداکثری از فرصت دهه فجر است؛ در این دهه در هر نقش و جایگاهی که هستیم و مسئولیتی که داریم می‌توانیم با ابتکار و نوآوری برای "روایت پیشرفت" برنامه‌ریزی و اقدام کنیم. کتاب‌ها و مستندها و حتی موشن کمیک‌های تولید شده از دستاوردها و موفقیت‌های جوانان دانش‌بنیان کشور، همه محتواهای ارزشمندی برای فعالین فرهنگی هنری و اجتماعی هستند.

پارک‌های علم و فناوری، کارخانه‌های نوآوری، مراکز رشد و مراکز تولیدی و صنعتی کلیدی و های تک در سراسر کشور همه مکان‌های پیشرفت ما هستند که در دل خودشان هزاران شرکت و هسته پیشرفت جای داده‌اند که ما می‌توانیم با برنامه‌ریزی و هماهنگی ساده خیل عظیمی از دانش‌آموزان و دانشجویان و حتی خانواده‌ها را برای بازدید این مکان‌ها ببریم. مساجد و هیئت‌ها در دهه فجر می‌توانند عرصه‌ای برای روایت موفقیت‌های جوانان عرصه علم و دانش بنیان، مدیران دلسوز و خوش فکر باشند. می‌توانیم این نخبگان و مدیران جوان در شهرهای مختلف را مدرسه به مدرسه دانشگاه به دانشگاه برد تا روایت کارهایی که در شهر و استان خودشان با تأثیرگذاری ملی و بعضاً جهانی که دارند برای نوجوانان روایت کنند. باور کنیم قصه همین واقعیت‌هاست که جوانه امید را در دل بچه‌های ما زنده و بارور می‌کنند. ما آن قدر که خودمان را و آنجایی که ایستاده‌ایم روایت نکرده‌ایم که این چنین مورد هجوم قرار گرفته‌ایم و دال مرکزی ضدانقلاب و قدرت‌های جهانی با این هجمه سنگین شده است زدن امید و آینده ما.

همه ما می‌توانیم دهه فجر امسال را احیاء کنیم؛ زنده کردنی مبتنی بر یکی از مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی؛ قدرتی که از جنس "جمهور" است و حاصل تلاش جمهور.

کم نبودند کسانی که چماق ناامیدی دست گرفته و متهمان می‌کنند که می‌خواهید با روایت پیشرفت، ضعف‌ها را بپوشانید یا انکار. بارها در جواب گفته‌ایم که جنس روایت پیشرفت ما نه مالی‌خولیایی و کاذب است و نه آدم‌های پیشرفت جدای از خود مردم کشور هستند. اگر حرف از پیشرفت و ما می‌توانیم‌ها می‌زنیم روایت ما، روایت فرزندان و خانواده‌های تک‌تک همین ملت است.

بماند که در کنارش هم ضرورت عدالت خواهی و مطالبه‌گری را نه تنها انکار نکرده‌ایم؛ بلکه موضع هم داشته‌ایم و جلوتر از آن‌ها گفته‌ایم که از قضا برای پیش رفت و ساختن آینده، قائل به روایت "پسرفت‌ها" هم هستیم! اتفاقاً تصور آینده پیشرفته بدون توجه به تجربه طی شده، سراب و حرافی است. ما باید مبتنی بر تجربه تاریخی چهل و چهارساله‌مان هم عناصر، نگاه‌ها و گفتمانی که باعث پیشرفت‌مان شده را بشناسیم و روایت کنیم هم مسببان پسرفت‌مان را. "روایت پسرفت" روایت برهه‌هایی از تجربه مدیریتی و حکمرانی ماست که اتفاقاً از همین دال مرکزی و پیشران پیشرفت فاصله گرفته است و آن پیشران، همین شعار و آرمان "ما می‌توانیم" است.

همین دو کلمه است که دریایی از مفاهیم و ارزش‌ها و آرمان‌ها و رؤیایا را در خود جای داده است فقط لازم است از زاویه تاریخ ۱۵۰ ساله ملت خودمان و تجربه تلخ ملت‌های تحت ستم قدرت‌های جهان نگاهش کنیم. اگر امروز در خیلی از حوزه‌ها پیش رفتیم و اتفاقات شکوهمند و پیشرفته‌ای در عرصه‌های مختلف پا گرفته است از همین منبع تولید قدرت "ما می‌توانیم" سرچشمه گرفته است. در دنیایی که دارو را هم در آن تحریم می‌کنند حرف از استقلال و روی پای خود ایستادن و حقیر

